

راهپیمایی اربعین، همگرایی جهانی با نهضت حسینی

حافظ نجفی*

چکیده

امام حسین علیه السلام با هدف اصلاح امور امت اسلامی، زنده کردن حق، مبارزه با ظلم و فساد، مقابله با تحریف‌های دین و... نهضت کربلا را به راه انداخت و از همگان برای یاری دین کمک خواست. راهپیمایی اربعین، که در سالیان اخیر، به عنوان اجتماعی بزرگ با صبغه دینی، در سطح جهان مطرح شده است، نشان می‌دهد که مردم، با هدف یاری دین اسلام و پایبندی به اهداف نهضت حسینی، برای مقابله با دشمنان دین، پای در این راه می‌گذارند و هویت حق طلبانه و صلح‌جویانه مکتب اهل بیت علیهم السلام را نمایان می‌کنند. در این مقاله برخی جلوه‌های همگرایی زائران اربعین با مکتب حسین بن علی علیه السلام بررسی شده است

واژگان کلیدی: راهپیمایی، زیارت، زائران اربعین، اهداف قیام، نهضت کربلا، امام حسین علیه السلام.

* عضو گروه اخلاق پژوهشکده حج و زیارت.

مقدمه

انحراف از اصول و موازین اسلام، که پس از رحلت رسول خدا ﷺ آغاز شده و گسترش یافته بود، در زمان امام حسین علیه السلام به اوج خود رسید. در این دوره، معاویه موقعیت خود را کاملاً تثبیت کرد و به نام خلیفه مسلمین، سرنوشت و مقدرات کشور اسلامی را در دست گرفت و حکومت اسلامی را موروثی کرد. یکی از خطاهای آشکار وی، مسلط کردن یزید بر جامعه مسلمین بود؛ در حالی که وی جوانی ناپخته، هوسباز، بی‌خرد، خوشگذران و فاقد هرگونه صلاحیت برای اداره امور مسلمین بود. یزید، پس از اینکه به قدرت رسید، آشکارا فسق و فجور می‌کرد و مقدسات و احکام اسلامی را به راحتی زیر پا می‌گذاشت.

به قدرت رسیدن یزید، زمینه را برای قیام امام حسین علیه السلام فراهم کرد. امام حسین علیه السلام که شایسته‌ترین فرد برای رهبری جامعه اسلامی بود، سکوت را در چنان زمانی، به منزله رضایت به دگرگون شدن حقایق دین و مسخ هویت مسلمین می‌دانست؛ بدین سبب قیام خود را برای ایجاد تغییر اساسی در جامعه آن روز آغاز کرد. اهداف نهضت خونین کربلا، براساس سخنان امام حسین علیه السلام، چنین است: امتناع از بیعت با خلیفه فاسق، ظلم‌ستیزی و ایستادگی در برابر ظالم، عزت‌طلبی و دوری از ذلت و فرمانبرداری از فرومایگان، اصلاح امور امت اسلامی، احیای سنت نبوی و از بین بردن بدعت‌ها، زنده کردن حق و مبارزه با باطل، و

شرکت در زیارت و راهپیمایی اربعین حسینی در دوران کنونی، به معنای گام نهادن در مسیر آرمان‌های سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله علیه السلام است. کسی که در این راه دشوار قدم می‌گذارد، با گام‌های خود اظهار می‌دارد: «حسین جان، راه تو را می‌پویم و مرام تو را می‌جویم و دلم با تو است».

جابر بن عبدالله انصاری، در اولین اربعین شهادت سیدالشهدا علیه السلام، به زیارت آن حضرت شتافت؛ در فرات غسل زیارت کرد، پیراهنی بلند و سپید پوشید و در حالی که عطر سُعد

پیراهنش، همراه نسیم در فضای کربلا می‌پیچید، گام‌ها را آهسته برمی‌داشت و با هر گام، ذکر می‌گفت. کم‌کم به مزاری که ۳۷ روز پیش سرانگشت امام سجاد علیه السلام بر آن نگاشته بود: «هُذَا قَبْرُ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الَّذِي قَتَلُوهُ عَطْشَانًا» نزدیک شد. (القرشی، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۲م، ج ۳، ص ۳۲۵).

جابر از عطیه خواست تا دستش را بر مزار حسین علیه السلام بگذارد. او گونه‌هایش را به خاک مزار نزدیک کرد و سه بار فریاد زد: «الله اکبر» و بیهوش بر زمین افتاد. عطیه سیمای جابر را به آبی نوازش کرد و پیر سوگوار کربلا چشم گشود. دیگر بار گریست و سه بار زمزمه کرد: «يَا حُسَيْنَ». اما هیچ پاسخی نیامد. جابر، گونه بر خاک گذاشت و سوگمندانه ناله زد: «حَبِيبُ لَا يُجِيبُ حَبِيبَهُ؟»؛ «آیا دوست، پاسخ دوستش را نمی‌دهد؟». آن‌گاه خودش پاسخ داد:

چگونه می‌توانی پاسخم گویی که میان سر و بدنت، فرسنگ‌ها فاصله افکنده‌اند؟ ای حسین، شهادت می‌دهم که تو فرزند آخرین پیامبری؛ فرزند سرور مؤمنان. تو هم پیمان و هم سوگند تقوایی؛ پنجمین تن از اصحاب کسا و فرزند فاطمه زهرا علیه السلام.

جابر می‌گریست، زیارتنامه می‌خواند و صدای اندوهناک او در وسعت خاموش کربلا، تارهای فضا را می‌لرزاند. دیگر بار، دست بر مزار حسین علیه السلام نهاد و گفت:

گواهی می‌دهم رهپوی راهی شدی که برادرت یحیی بن زکریا، مسافر آن بود. او با منکر و زشتی و پلشتی درافتاد و سر در تشت، پیش روی ستمگر نشست و تو نیز سر در تشت، به پاس ستیز با ستم، جلوی شقاوت پیشگان نشستی.

جابر برخاست و به یکایک اصحاب امام و شهدای کربلا سلام داد: «سلام بر عباس، سلام بر اکبر، سلام بر قاسم، سلام بر عبدالله رضیع، سلام بر حبیب، سلام بر مسلم و سلام بر...». سکوت کرد. اشک دمی درنگ نداشت. آن‌گاه با انگشت، به مزار مولای غیور و غریب اشاره کرد و گفت: «سوگند به آن کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت، با شما در کاری که انجام دادید، شریکیم»؛ یعنی شریک در شهادت، ایثار، پاکبازی، شکیبایی و فداکاری!

عطیه در شگفت از این سخن، سکوت را شکست و آرام و نرم گفت:

مولای من، چگونه ممکن است ما با شهدای کربلا شریک باشیم، درحالی که ما کوهی را بالا نرفتیم، در هیچ وادی و سرزمین، همراهی و همگامی حسین نکردیم، شمشیری از نیام نکشیدیم و با هیچ دشمنی نجنگیدیم؟ اما اینان جان بر دست گرفتند؛ در نهایت عطش، در خون غلتیدند؛ همسرانشان سوگوار شدند و فرزندانشان در سوگ پدر نشستند. چگونه ممکن است؟

جابر گفت: ای عطیه، از محبوبم رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُبِّي مَعَهُمْ وَمَنْ أَحَبَّ عَمَلٍ قَوْمٍ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ نَبِيَّيَ وَنَبِيَّ أَصْحَابِي عَلَيَّ مَا مَضَى عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ وَأَصْحَابُهُ... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵، ص ۱۳۱).

هر کس که گروهی را دوست بدارد، با آنان است و هر کس کار گروهی را پیسنند و بپذیرد، در کارشان شریک و همراه است. سوگند به آن کسی که پیامبر را به حقیقت و راستی به پیامبری برانگیخت، نیت و انگیزه من و یارانم همان نیت و انگیزه‌ای است که حسین و اصحابش، در راه آن جان باختند.

بدین سان شرکت در راهپیمایی اربعین، و تحمل دشواری‌های آن و قرار گرفتن در فضای غیر ایمن عراق که هر لحظه احتمال انفجار وجود دارد و تاکنون بارها نیز اتفاق افتاده و صدها بلکه هزاران نفر در خون خود غلتیده‌اند، در واقع به معنای همدلی و هماهنگی با کاروان حسین علیه السلام است.

اربعین، روز بازگشت به اصالت‌ها و روز تصحیح روش و منش است؛ روز شریک شدن در نهضت حسین. اربعین، روز سنجش فاصله خویش با حسین و یاران پاکباز اوست؛ روز دوستی است؛ روز پرسش از قلب است که تو با حسین چگونه‌ای؟ با آرمان و ایمان او چه نسبتی داری؟ روز اربعین، یعنی تلاش برای شریک شدن با حسین. در این روز باید پرسید کدام سرمایه را با خویش به کربلا آورده‌ای تا در نهضت حسین سهمی باشی؟ سرمایه‌ای از

عشق، اخلاص، ایثار، عبودیت، رحمت، ایمان، شوریدگی و شهادت‌طلبی.

اربعین، شرکت در مراسم شهادت است؛ حضور در بزم حسین است؛ هرچند بی‌شمشیر، هرچند بی‌شهادت، اما عاشق و صادق و لایق؛ آن‌چنان که اگر عاشورا می‌بود، همان‌گونه سر می‌باختم که حبیب؛ همان‌گونه دست می‌افشانیم که عباس، همان سان سر بر قدم امام می‌نهادیم و گذشته‌های تار را با تیغ توبه می‌گسستیم که حر.

اربعین یعنی تصحیح نیت؛ انطباق نیت و انگیزه با همان نیت و انگیزه سترگی که در نگاه صحابه حسین می‌درخشید؛ همان نیت که وهب را در شیرین‌ترین لحظه‌های زندگی، با همسر به کربلا آورد؛ همان نیت که در نماز ظهر عاشورا، جان سعید بن عبدالله و عمرو بن قرظہ انصاری را سپر تیرها ساخت تا با بالی از تیرها، در وسعت ملکوت پر بگشایند. اربعین هماهنگی آهنگ قلب است با ضربان قلب حسین و یارانش؛ قلب‌هایی که آسمان و زمین، به آهنگی عاشقانه‌تر از آنها گوش نسپرده. اربعین یعنی با حسین شریک شدن و کسی می‌تواند با حسین شریک باشد که شرک بر مزرعه‌ی جانش نیفتاده و آزمندی از نوع آزمندی شمر و عمر سعد، روحش را تباه و سیاه نساخته باشد.

اربعین؛ هجرت به سوی حجت خدا و بیعت با آن حضرت

خداوند، همواره روی زمین، حجت‌هایی دارد تا به واسطه آنها، خوبان به کمالی که شایسته آنهاست، دست یابند. شخصی به نام بُرَیدِ عَجَلی می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر این آیه شریفه که می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (بقره: ۱۳۸)؛ «و این چنین شما را امت وسط قرار دادیم تا بر مردم، گواه باشید». پرسیدم. ایشان فرمود: «منظور از امت وسط و گواهان بر خلق، ما هستیم و ماییم حجت‌های خداوند بر روی زمینش» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۰).

یکی از این حجج الهی، امام حسین علیه السلام است که خداوند، با وجود ایشان، حجت را بر همگان تمام کرده است. در زیارت اربعین در این باره چنین می‌خوانیم: «وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۱۳)؛ «و او را حجت بر آفریدگانت قرار دادی از میان اوصیای پیامبر...».

امام حسین علیه السلام مظهر رحمت، هدایت و رهایی‌بخشی خداوند و خلیفه پروردگار عالم در روی زمین و سرپرست مؤمنان است. حضور در محضر امام و اظهار وفاداری به آرمان‌ها و ارزش‌های او، شرط راهیابی به ساحت ایمان و برخوردارگی از ولایت خداوند است.

از سوی دیگر، امام حسین علیه السلام، وارث پیامبران الهی است: «وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ» (طوسی ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۱۳) و نهضت او ادامه نهضت انبیا و همسو با جنبش آنان است. امام حسین علیه السلام عملاً برای اثبات اینکه نهضت او مانند قیام موسای کلیم است، در حرکت از مدینه تا کربلا، گام به گام، آیاتی را که درباره حضرت موسی علیه السلام نازل شده است (القصص، ۲۱)، قرائت می‌فرمود. فردی که در راهپیمایی اربعین شرکت کرده و با پای پیاده از نجف تا کربلا می‌رود و پایان سفرش حضور در مضجع شریف امام حسین علیه السلام و زیارت قبر مطهر آن حضرت است، در واقع نوعی مهاجرت نمادین را از خود به سمت امام به نمایش می‌گذارد. هجرت از خودخواهی به سوی خداخواهی و گذاردن دست بیعت و اطاعت در دست ولی خدا.

بر این اساس معتقدیم مراسم راهپیمایی اربعین و زیارت امام حسین علیه السلام در این روز، اعلام بیعت مسلمانان با امام حسین علیه السلام است؛ تجدید بیعت با آرمان‌های حسینی و روز تجدید اندوه شیعه و آمادگی برای انتقام از ظالمین عالم؛ روز مهیا شدن برای مقابله با دشمن و گرفتن انتقام خون‌های به ناحق ریخته شده تاریخ و در یک کلام، روز تجدید عهد و پیمان با امام حاضر غایب از نظر. ایام اربعین را می‌توان شبیه‌ترین روزها به ایام ظهور منتقم حقیقی حضرت سیدالشهدا علیه السلام دانست.

این رفتار نمادین زائر، یعنی هجرت به سوی ولی خدا، در همه ابعاد و ساحت‌های وجود او (اعم از فکری، احساسی و رفتاری) تأثیری شگرف می‌گذارد و او را آماده اطاعت داوطلبانه و جان‌نثاری در راه خدا، به فرمان ولی خدا می‌گرداند. اگر زائر حسینی در پیاده‌روی به سوی حرم امام حسین علیه السلام به این جنبه از عمل توجه کند، سفر او و سختی‌هایی که بر بدن خود وارد می‌کند، او را از لحاظ روحی و معنوی آماده ورود به ساحت ولایت ولی خدا می‌سازد و فکر، عاطفه و عمل او را در جهت اطاعت از امام و بهره‌گیری از هدایت تام و کامل او، که همان هدایت الهی و اطاعت از خداست، حرکت می‌دهد.

اربعین؛ اعلام آمادگی برای یاری خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی از مهم‌ترین حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان مطهر ایشان بر مردم، ضرورت کمک و یاری پیامبر و اهل بیت طاهرین ایشان است. مردم باید همواره برای ادای این حق مهیا بوده و اعلام آمادگی نمایند.

در زیارت جامعه می‌خوانیم: «قَلْبِي لَكُمْ سَلْمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ نَبْعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۴)؛ «دلم تسلیم شما و نظرم پیرو نظر شما و یاریم برای شما مهیاست». و در زیارت حضرت علی علیه السلام نیز آمده است:

اللَّهُمَّ أَنْتَ مَنْنْتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مَوْلَايَ وَوَلَايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ فَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ تُنْصِرُهُ وَتُنْصِرُ بِهِ
[يُنْصِرُ بِهِ وَيُنْصِرُهُ] وَمَنْ عَلَيَّ بِنُصْرِكَ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۴۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۹۱).

بار الها، تو با [دادن توفیق] زیارت مولایم [علی علیه السلام] و ولایتش و شناختش، بر من منت نهادی؛ پس من را از کسانی قرار ده که او را یاری می‌کنند و از او کمک می‌گیرند، و به من برای توفیق یاری دینت منت بگذار، در دنیا و آخرت.

شاید این سؤال برای برخی مطرح باشد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و خاندان مطهر ایشان با وجود

امدادهای غیبی و قدرت فوق‌العاده مادی و معنوی چه نیازی به یاری مردم داشتند و منظور از یاری کردن چیست؟ پاسخ این است که سخنان و تاریخ زندگی آن بزرگواران نشان می‌دهد همواره از مردم درخواست کمک می‌کردند. این درخواست‌ها را در چند عنوان می‌توان دسته‌بندی کرد:

بخشی از استنصار اهل بیت علیهم‌السلام از مردم، به مباحث سیاسی - اجتماعی و احقاق حقوق حقه اهل بیت علیهم‌السلام مربوط است. در این درخواست‌ها پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام از مردم می‌خواستند با آگاهی کامل، از اهل بیت دفاع کنند و به آنان یاری رسانند و آنها را در ادامه امور جاری دین تنها نگذارند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي وَشَيْعَتَهُمْ وَأَنْصُرُوهُمْ...» (طبری آملی، ۱۳۸۳ق، ص ۱۵۷)؛ «پس اهل بیتم و شیعیان و یارانشان را دوست بدارید و آنان را یاری کنید...».

همین خواسته را امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام نیز داشته و فرموده است:

انظروا أهل بيت نبيكم فإن لبذوا [فالبذوا] وإن استنصروكم فأنصروهم وتنصروا و
تعدروا... (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۱۵).

به اهل بیت پیامبرتان توجه داشته باشید. اگر توقف کردند، شما هم توقف کنید، و اگر از شما یاری خواستند، ایشان را یاری کنید تا یاری شوید و معذور باشید...

روز عاشورا نیز، هنگامی که زمین نینوا از خون یاران حسین علیه‌السلام گلرنگ شد و «عمر بن سعد» هجوم سراسری به اردوگاه نور را آغاز کرد، پیشوای بزرگ آزادی حضرت امام حسین علیه‌السلام نگاهی به پیکرهای به خون خفته یاران انداخت و این جمله‌های تکان دهنده را فرمود:

هل من ذاب يدب عن حرم رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هل من موحد يخاف الله فينا هل من مغيب يرجو
الله بإعانتنا هل من معين يرجو ما عند الله في إعانتنا... (ابن طاووس، بی تا، ص ۱۱۶).

آیا دفاع کننده‌ای هست که از حریم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دفاع کند؟ آیا خداپرستی

هست که در مورد ما از خدا بترسد؟ آیا دادرسی هست که به امید آنچه نزد خداست، از ما دادرسی کند؟ آیا یآوری هست که به امید آنچه نزد خداست، به ما کمک کند؟ حضرت بقیه‌الله، قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز هنگام ظهور از مردم یاری خواهند طلبید. در روایتی آمده است که آن حضرت هنگام ظهور در بیت‌الحرام (مکه) از کنار کعبه به مردم ندا می‌دهد:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَام... (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق، ص ۲۸۱).

ای مردم، ما از خدا یاری می‌طلبیم. پس چه کسی از مردم، [دعوت] ما را پاسخ می‌گوید؟ که ما خاندان پیامبر شما، محمد، هستیم و ما برترین مردم نزد خدا و محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌باشیم.

بخش دیگری از درخواست کمک پیامبر اکرم عَلَيْهِمُ السَّلَام و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام از مردم، این بود که مردم به دین خدا و تعالیم نورانیش عمل کنند. اکنون نیز- که دشمنان دین، با شیوه‌های مختلف و به شکل مدرن و سازمان‌یافته، برای نابودی دین اسلام کمر بسته‌اند- قطعاً ندای هل من ناصر پیامبر و خاندان مطهرش بلند است. بر هر مرد و زن مسلمان (از هر مذهبی)، در هر نقطه از جهان، فرض است که از حقیقت اسلام دفاع کند. باید در مقابل دشمنان اصلی دین، که هر روز دسیسه جدیدی برای نابودی دین اسلام ترتیب می‌دهند، و نیز در برابر منحرفانی که به نام اسلام، جنایاتی را مرتکب می‌شوند و اسلام رحمانی را دینی خشن و غیر انسانی جلوه می‌دهند، ایستاد و دین خدا را یاری کرد.

در زمان ما، حضور در راهپیمایی و زیارت اربعین، جلوه‌ای از یاری به مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و گام نهادن در مسیر اهداف حسینی است. هنگامی که دشمنان اهل بیت با اسم و رسمی جدید برای نابودی آثار اسلام و فرهنگ اهل بیت کمر بستند و کشور عراق و سوریه را اشغال کردند و با تمام توان، آثار اسلام و شیعه، از جمله حرم امامین عسکریین عَلَيْهِمُ السَّلَام را ویران ساختند، حضور میلیونی و غیرتمندانه زائران و عاشقان امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام در عتبات عالیات، عرصه را بر

آنان تنگ کرد، دشمنان دانستند که حسین بن علی علیه السلام، بر خلاف سال ۶۱ قمری، تنها نیست. زائران و عاشقانی از کشورهای مختلف در این اجتماع عظیم حاضر می‌شوند و خود را مطیع و پیرو مکتب حسین علیه السلام و فدایی مرام عزت‌بخش او معرفی می‌کنند. مردم شریف عراق نیز یاورانی صادق برای آرمان حسینی محسوب می‌شوند؛ چه، مهمان‌نوازی باشکوهی در میان مردم عراق دیده می‌شود که برای پذیرایی از مهمانان امام حسین علیه السلام در خانه‌هایشان را می‌گشایند و هر چه دارند برای پذیرایی زائران در طبق اخلاص می‌گذارند.

مردم به خاطر عشق و علاقه‌ای که به ائمه اطهار و امام حسین علیه السلام دارند برای این مجالس و سفرها وقت صرف می‌کنند و با افتخار، اموال خود را در این راه می‌دهند. آنان حضور در راهپیمایی و خدمت به زائران سیدالشهدا علیه السلام را توفیق و افتخار می‌دانند و از خداوند می‌خواهند که به آنها شایستگی و لیاقت مصرف کردن اموالشان را در راه دین و احیای فرهنگ اهل بیت علیهم السلام عنایت فرماید. این همان عشق و شور معنوی است که بر اساس سخن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره حسین بن علی علیه السلام وجود دارد:

إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَنْ تَبْرُدَ أَبَدًا (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۱۸).

همانا برای شهادت حسین حرارت و عشق سوزناکی در دل‌های مؤمنان وجود دارد که تا ابد سرد نخواهد شد.

دشمنان شیعه، خصوصاً وهابیان، باورشان نمی‌شد که چنین عشقی در دنیا باشد. اما پیام اربعین این است که امام حسین علیه السلام تنها نیست و همه عاشقانش، از ملیت‌های مختلف، حاضرند در راه آرمان‌های او از مال و جان‌شان بگذرند. آنان به دنیا پیام می‌دهند که علاقه و عشق حسین را با هیچ چیز عوض نمی‌کنند و با کودکان قافله عاشورا، که در محاصره دشمن و با اضطراب و بی‌قراری در سفر کوفه و شام بودند، همدردی می‌کنند. آنان با وجود تهدید

دشمنان تکفیری، سینه سپر می‌کنند و از شهادت در راه آرمان‌های اباعبدالله علیه السلام و اهمه‌ای ندارند و می‌گویند:

حسین جان، درست است که در سال ۶۱ قمری در رکابت نبودیم تا با دشمنانت بچنگیم یا بر زخم دل فرزندان داغدارت مرهم بگذاریم، اما رهرو راه و پاسدار مرامت، و پیگیر اهداف نهضت پرافتخار کربلاییم. دشمنان مزدور بدانند اگر تهدید کنند یا با اقدامات انتحاری به جنگ ما بیایند، از مکتب عزت آفرین و رهایی بخش حسین دوری نخواهیم کرد و از حریم نورانی حرم حسینی حراست خواهیم کرد؛ چرا که این مردم، عزت و آبروی خود را از پیامبر و اهل بیت طاهرینش دارند. حسین جان، امروزه، خداشناسی و دینداری و عزت ما، مدیون توست. تو با قیام خود، غیرت و شجاعت و امر به معروف و نهی از منکر را زنده کردی. تو خود معروف مجسم بودی و حاکمیت یزید و سلطه فاسدان، بارزترین نمونه «منکر سیاسی» بود. خط تو، خط مبارزه با کفر و ظلم و فساد بود. هرچند آن روز در کربلا، جسم تو بر زمین افتاد و پیکر مطهرت لگد کوب سم اسبان شد، فکر انقلابی، نهضت اصلاحی و حرکت منکرستیز و ستم‌سوز تو، زمین و زمان را فرا گرفت و امروز، لبنان و فلسطین و غزه مظلوم، از عاشورای تو الهام می‌گیرند. ما نخواهیم گذاشت عاشورا و اربعین تو، از شور بیفتد و فراموش شود و هدف خدایی تو بر زمین بماند.

پی‌جویی اهداف نهضت اباعبدالله الحسین علیه السلام

گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که اجرای احکام دین و تحقق اهداف نهضت حضرت اباعبدالله علیه السلام، مهم‌ترین مطالبه راهپیمایان اربعین حسینی است. وقتی میلیون‌ها انسان جویای فضیلت، آزادی خواه و حق طلب دنیا، با عشق و علاقه، خود را به این اجتماع عظیم می‌رسانند و برای تجدید بیعت با آرمان‌های امام حسین علیه السلام در این راه پرمشقت قدم می‌نهند، این پیام مهم را اعلام می‌کنند که مکتب اهل بیت علیهم السلام برای آنان زنده و جاری

است؛ ائمه ما مربوط به تاریخ نیستند بلکه در تمام زمان‌ها حاضرند و سیره عملی آنان، الگوهای زنده برای همه کسانی است که در پی حقیقت‌اند. وقتی در صحنه‌ای مثل اربعین، که هیچ عامل مادی در آن دخیل نیست، بیش از بیست میلیون نفر انسان آگاه، از ملیت‌ها و مذاهب مختلف، در یک مسیر قدم می‌گذارند و گرد یک هدف متحد می‌شوند و همه به اسلام و امام حسین علیه السلام عشق می‌ورزند، خود دلیل روشنی است بر اینکه همه آنها در این نقطه مشترک‌اند که پی‌جوی اهداف قیام امام حسین علیه السلام اند و فرهنگ مترقی اهل بیت را یگانه راه نجات خود می‌دانند.

آری، ما بر این باوریم که هم‌اکنون راه حسین علیه السلام و مکتب حیات‌بخش اهل بیت علیهم السلام با تمام وجود قابل درک و شناخت است و پیروانش را به سوی خود فرامی‌خواند. شرکت در راهپیمایی اربعین، به معنای پذیرش خط سرخ حسینی و حرکت در راه پرافتخار آن حضرت است. می‌دانیم که سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام، به عنوان مقتدای امت، همانند پیامبران الهی، برای یاری دین خدا و اصلاح جامعه، قدم در راه مبارزه گذاشت و اهدافی را برای نهضت خونین خود بیان کرد که برخی از آنها در ادامه ذکر می‌شود:

۱. حق طلبی

زنده کردن حق و مبارزه با باطل و خشکاندن ریشه‌های آن، یکی از اهداف مهم قیام حضرت امام حسین علیه السلام است. آن حضرت پس از مواجهه با سپاهیان حر، در خطبه‌ای می‌فرماید:

أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُنْهَى عَنْهُ لِيَرْعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا... (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش، ص ۲۴۵).

آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل دست برنمی‌دارند؟! به طوری که مؤمن حق دارد که به مرگ، و دیدار خدا مشتاق باشد. به راستی، من چنین مرگی را جز سعادت ندانم و زندگی در کنار ظالمان را جز هلاکت نخوانم.

۲. عزت طلبی و ذلت گریزی

امام حسین علیه السلام که پیامبر اسلام او را آقای جوانان اهل بهشت^۱ و ثمره وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی کرد،^۲ مجسمه همه فضیلت‌ها و تنها کسی بود که شایستگی رهبری امت اسلامی را داشت. از این رو پذیرش حکومت فردی مثل یزید را تن دادن به ذلت، و گرویدن به زندگی حقیرانه تلقی می‌کرد و شأن خود را بالاتر از این می‌دانست که در چنین راه خفت‌باری قدم بگذارد. آن‌گاه که یزید در نامه‌ای به ولید بن عتبه، فرماندار مدینه، از او خواست که از امام حسین علیه السلام برای وی بیعت بگیرد و در غیر این صورت سر از بدن حسین علیه السلام جدا کند. حضرت در پاسخ به خواسته ولید این گونه فرمود:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَبِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَبِنَا خَتَمَ اللَّهُ وَيَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخُمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعَلِنٌ بِالْفِسْقِ وَوِثْلِي لَا يُبَاعُ بِمِثْلِهِ (ابن طاووس، بی تا، ص ۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۲۵).

ما از خاندان نبوت و رسالتیم، خاندانی که خانه آنها محل رفت و آمد فرشتگان است، و خداوند به خاطر ما همه چیز را آغاز کرد و همه چیز را پایان می‌بخشد. اما یزید، مردی فاسق و شراب‌خوار و قاتل است و آشکارا جنایت و گناه می‌کند و مثل من با مثل او بیعت نخواهد کرد.

امتناع از پذیرش حکومت یزید به استناد سخن جد بزرگوارش رسول خدا بود که آن را مساوی با نابودی شریعت محمدی می‌دانست و حکومت را بر آل ابوسفیان حرام کرد. هنگامی که مروان از آن حضرت خواست تا با یزید بیعت کند، در پاسخ به وی فرمود:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ وَ [أَخِي] عَلِيُّ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ [و ابْنایِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَا شِبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ] (هلالی، ج ۲، ص ۶۴۳).
۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲۷).

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَد بُلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ الْخِلَافَةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى آلِ أَبِي سُفْيَانَ (ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵؛ ابن طاووس، بی تا، ص ۲۴).

دیگر باید بر اسلام سلام داد [و با آن وداع کرد]: زیرا امت به زمامداری همانند یزید دچار شده است، و من از جدم رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: «خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است».

مطالب مزبور نشان می دهد اسلامی که امام حسین علیه السلام از محل نزول وحی و خانه رسول خدا به جهانیان عرضه کرد، هرگز با پلشتی، ذلت و فرومایگی سازگاری ندارد و مرام حسین، عزت و سربلندی است.

۳. آزادی خواهی، عدالت طلبی و مبارزه با ظلم

حریت و آزادگی و دوری از خضوع و کرنش در برابر قدرت های مادی، برای رسیدن به مال و منال دنیا، از اهداف اولیه نهضت خونین کربلاست. مفهوم اصیل و واقعی آزادگی در دین اسلام با اقدام و عملکرد امام حسین علیه السلام معنا می شود. امام حسین علیه السلام فرمود:

وَيْلَكُمْ يَا شِيعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ (ابن طاووس، بی تا، ص ۱۲۰).

وای بر شما ای پیروان خاندان ابی سفیان، اگر دین ندارید و از روز بازپسین شما را پروایی نیست، پس لا اقل در دنیای خود آزادمرد باشید.

امام حسین علیه السلام در این سخن به اهمیت بالای آزادگی در دین اسلام اشاره کرده اند. آزادگی یعنی انسان از تعلقات مادی و دنیوی کناره گیرد و راه حق و حقیقت را برگزیند. انسانی که آزادگی دارد، در برابر ظلم ایستادگی می کند و با پیروی از گفتمان مقاومت و سازش ناپذیری، مسیر عدالت و حقیقت را می پیماید. امام حسین علیه السلام به ما آموخت اگر در مقابل ظلم ستمگران

قیام کنیم، آنها آسیب‌پذیر می‌شوند. امام حسین علیه السلام ثابت کرد که گروهی کوچک می‌تواند در مقابل لشکری چند هزار نفره بایستد و آنها را در درازمدت شکست دهد.

این اندیشه اباعبدالله علیه السلام، الهام‌بخش همه کسانی است که در مسیر دین خدا قدم برمی‌دارند و هرگز هیمنه پوشالی قدرت‌های مادی، آنها را مرعوب خویش نساخته است. نمونه آن، رزمندگان حزب‌الله لبنان و مردم یمن و فلسطین هستند که با دست خالی به جنگ اسرائیل و اذتاب آمریکا رفتند و روحیه شهادت‌طلبانه و مقاومت آنان که برگرفته از نهضت عاشورا بود، باعث پیروزی آنها شد.

ع. اصلاح‌طلبی و مبارزه با فساد و بدعت

انگیزه اصلی امام حسین علیه السلام از قیام عاشورا عمل به تکلیف الهی و اصلاح جامعه و مبارزه با مفاسدی بود که دستگاه اموی و جاهلان متنسک در بدنه دین وارد کرده بودند. هدف امام این بود که سنت نبوی و علوی و ارزش‌های والای شریعت اسلامی در همه عرصه‌های جامعه به اجرا در آید و همین انگیزه الهی، مهم‌ترین وجه تمایز نهضت کربلا از دیگر قیام‌هاست. امام حسین علیه السلام برای مرهم گذاشتن به دردهای روحی و فکری مردم و اصلاح امور زندگی‌شان نهضت کربلا را برپا کردند. آن حضرت در بخشی از وصیت خود به برادرش محمد حنفیه فرمود:

وَأَيُّ لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنِّي خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ
جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ... (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۲۹).

من از شهر و دیار خویش نه برای راحت‌طلبی و وانهادن مسئولیت به راه افتاده‌ام و نه برای خوشگذرانی و بیهودگی؛ نه انگیزه‌ام ستم‌کاری و بیدادگری است و نه تبهکاری؛ بلکه می‌خواهم جامعه و امت را از نگونساری و اسارت نجات دهم و به خواست خدا، کارش را به سامان آورم و اصلاح کنم.

آری، هدف امام حسین علیه السلام زنده کردن دین و ایجاد تغییر اساسی در جامعه و مقابله با حاکمان فاسد و هوس پیشه‌ای بود که بویی از اسلام نبرده بودند، ولی به نام خلیفه مسلمین بر گرده مردم سوار شده بودند. آن حضرت در بخشی از سخنان خود فرمود:

... شگفتا! سرزمین اسلام در قبضه کسانی است که یا خائن و ستمکارند، یا باجگیر و نابکار، یا حکمران بی‌رحم و بی‌انصافی که خدا را نمی‌شناسند و به مبدأ و معاد ایمان ندارند.

سپس با اشاره به فلسفه قیام خود فرمود:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعَلَّمْتَ اَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا اِلْتِمَاسًا مِنْ قُضُولِ الْخُطَامِ وَ لٰكِنْ لِنُرِي الْمَعَالِمَ مِنْ دِيْنِكَ وَ نُنْظِرُ الْاِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَا اَمَنَ الْمَظْلُوْمُوْنَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يَعْمَلُ بِفِرَائِضِكَ وَ سُنَّتِكَ وَ اَحْكَامِكَ فَاِنْ لَمْ تَنْصُرْنَا وَ تَنْصِفْنَا قَوِي الظُّلْمَةَ عَلَيْكُمْ وَ عَمَلُوا فِي اِطْفَاءِ نُورِ نَبِيِّكُمْ ... (ابن شعبه، ۱۴۰۴/ق ۱۳۶۳/ش، ص ۲۳۹).

خداوندا، تو آگاهی که آنچه [از جنبش و نهضت بر ضد مفسد و منکرات] به دست ما صورت گرفت، نه به طمع پادشاهی و جاه بود و نه در طلب ثروت و مال. ما خواستیم تا نشانه‌های راه دینت را ارائه دهیم و [مفسد را] در شهرهای تو اصلاح کنیم، باشد که بندگان مظلوم تو روی آسایش و امنیت را ببینند و آسوده‌خاطر به طاعت تو برخیزند. ما می‌خواهیم فرائض اسلام و سنن [پیغمبر صلی الله علیه و آله] و احکام تو اجرا شود. [ای مردم،] اگر شما به کمک ما برخیزید، در حق ما انصاف ندهید، ستمگران بر شما مسلط خواهند شد و در خاموش کردن نور پیامبرتان کوشش خواهند نمود.

۵. مبارزه با دنیا پرستی

تاریخ خونبار کربلا نشان می‌دهد کسانی که در مقابل امام حسین علیه السلام قرار گرفتند و شمشیر به روی آن حضرت کشیدند، افراد بسیار حقیر و فرومایه‌ای بودند که گوهر دین را به خرمهره دنیا فروختند. عمر بن سعد برای رسیدن به گندم ری حاضر شد خون فرزند رسول خدا، پاره

تن علی و زهرا و سرور جوانان بهشت را بریزد. امام حسین علیه السلام چه زیبا فرمود که آنان برده مطامع دنیایی اند:

إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالِدِّينُ لَعَنُ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْضُوا
بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَاتُونَ (ابن شعبه، ۱۴۰۴/ق/۱۳۶۳ش، ص ۲۴۵).

همانا مردم، دنیاپرستند و دین از سر زبان آنان فراتر نرود و دین را تا آنجا که زندگی‌شان را رو به راه سازد بچرخانند و چون به بوته آزمایش درآیند، دینداران اندک گردند.

حسین بن علی علیه السلام با دادن خون شریف خود و یاران باوفایش در نهضت کربلا کوشید در پیچه‌ای از معنویت به روی مردم بگشاید و آنان را از گرفتار شدن در منجلاب دنیاپرستی نجات بخشد.

موارد مزبور شمه‌ای از اهداف قیام کربلاست. مردم این دوران، برخلاف مردم فریب خورده سال شصت قمری، خوب می‌دانند که حاکمیت زمامداران اموی و اجرا شدن سیاست‌های ضد اسلامی آنان، هویت دینی مردم را مسخ کرد و ارزش‌های معنوی را در جامعه از بین برد. در حال حاضر نیز چنین سیاست‌هایی از سوی مستکبران و به دست عمالشان در منطقه در حال اجراست. مردم آزاده و حق‌طلب دنیا از قاره‌های مختلف، با مذاهب و ملیت‌های گوناگون، با حضور فعال در مراسم باشکوه راهپیمایی اربعین، اعلام می‌کنند که از سیاست‌های حاکمانشان به ستوه آمده‌اند و از دروغ و فریب‌های حکام کشور‌هایشان بیزارند و می‌خواهند در زندگی خود با حقیقت آشنا شوند؛ زیرا آنان به وضوح مشاهده می‌کنند که استکبار و صهیونیسم بین‌الملل، برای جلب منافع مادی بیشتر و با هدف توسعه سیاست‌های استکباری، دولت‌های دست‌نشانده منطقه را به جان هم انداخته و با اشغال برخی از سرزمین‌های مسلمانان، بدترین ظلم‌ها را روا می‌دارند. قدرت‌های مستکبر، برای بدنام کردن دین و مشوّه جلوه دادن چهره نورانی اسلام، گروه‌های سفاک و خونریزی‌مانند داعش را با سرمایه برخی کشورهای به ظاهر

اسلامی به راه انداخته و تسلیح کردند و به وسیله آن مزدوران، وحشیانه‌ترین یورش‌ها را به کشورهایمانند سوریه، عراق، یمن و... ترتیب دادند که تاکنون صدها هزار نفر به خاک و خون کشیده شده یا از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند.

شرکت‌کنندگان در مراسم اربعین به خوبی درک کرده‌اند که پیام قیام باشکوه سیدالشهدا علیه السلام به آن زمان منحصر نیست؛ بلکه پیامی ابدی، و فراتر از محدوده زمان و مکان است. هر جا و در هر جامعه‌ای که به حق عمل نشود و از باطل خودداری گردد، بدعت‌ها زنده، و سنت‌ها نابود شود، هر جا که احکام خدا تغییر یابد و حاکمان و زمامداران، با زور و ستمگری، با مردم رفتار کنند، و بالجمله هر جامعه‌ای که ویژگی‌های جاهلیت را داشته باشد، جامعه‌ای یزیدی است و مبارزه و مخالفت با مفاسد و آلودگی‌ها، و آمران و عاملان آنها، کاری حسینی خواهد بود.

آری، امروز عبرت گرفتن از سرنوشت یزیدیان جهان و حرکت در مسیر حسین بن علی علیه السلام و آزادی خواهی، شجاعت و مردانگی و مقاومت در برابر حکومت‌های فاسد، بزرگ‌ترین پیام اربعین برای جهانیان است. شرکت در راهپیمایی اربعین در حقیقت به معنای انتقال پیام سیدالشهدا علیه السلام، یعنی عدالت‌خواهی و حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی، به سراسر جهان، و عامل بیداری وجدان‌های خفته است.

نتیجه

در این مقاله به برخی از جلوه‌های گرایش مردم دنیا به مرام عزت‌آفرین امام حسین علیه السلام در این دوران اشاره، و روشن شد که خواسته‌های راهپیمایان اربعین، همان ارزش‌های والایی است که ۷۲ یار وفادار را در سال ۶۱ قمری به جان باختن در رکاب حسین بن علی علیه السلام کشانید. بسیاری از زائران و شرکت‌کنندگان در اربعین، برای حضور در جبهه‌های جنگ با داعش و سلفی‌ها مشتاقانه اعلام آمادگی می‌کنند و تاکنون هزاران جوان مخلص، پا در رکاب

گذاشته و به عنوان مدافع حرم اهل بیت علیهم السلام در جبهه سوریه و عراق حضور یافته و از حریم حرمت خاندان نبوت پاسداری، و صدها شهید به اهل بیت عصمت و طهارت تقدیم کرده‌اند. آنچه موجب آشفتگی مستکبران و مزدورانشان در منطقه شده، همین روحیه عزت‌طلبی و فداکاری در راه حسین است.

امام حسین علیه السلام فرمود: باید برای نجات اسلام، جان خویش را قربانی کنیم. تنها آنان که جان خود را بر کف دست نهاده‌اند، با من همراه شوند:

مَنْ كَانَ فِتْنًا بَاذِلًا مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُضْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (ابن طاووس، بی تا، ص ۶۰).

هر کسی که خون خود را به قصد لقای الهی بذل می‌کند، همراه ما بیاید که، اگر خدا بخواهد، صبح حرکت می‌کنم.

امروز زائران اربعین با ابراز همراهی با آرمان‌های شهیدان کربلا و وفاداری به اهداف قیام آن حضرت، خود را به کربلا می‌رسانند و با طی مسافت‌های طولانی، پایبندی خود را به مرام عزت‌آفرین حسین بن علی علیه السلام نشان می‌دهند و از دشمنانش بیزاری می‌جویند: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۴).

این همان ولایت‌مداری است که در ابتدای زیارت اربعین می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيَّ وَوَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيهِ السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ... (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۳).

سلام بر ولی خدا و حبیب [خاص] او؛ سلام بر دوست [و محبوب] و برگزیده خدا؛ سلام بر حسین شهید. بارالها، گواهی می‌دهم که او ولی تو و فرزند ولی توست؛ برگزیده تو و فرزند برگزیده توست؛ او که به سبب مقام ارجمندش به رستگاری نایل شده است... .

راهپیمایان و زائران حسینی در اربعین، بدین وسیله، همگرایی خود را با خط عزت‌آفرین و رهایی‌بخش حسین بن علی علیه السلام اعلام کرده و جهان را به حیرت وامی‌دارند. از این جهت راهپیمایی اربعین نماد اقتدار شیعه است. همین امر باعث شد مراسم جهانی اربعین هر سال ابعاد گسترده‌تری به خود بگیرد و با وجود سانسور شدیدی که خبرگزاری‌های وابسته به استکبار و صهیونیست و ارتجاع منطقه اعمال می‌کنند، موج عظیم اربعین، قاره‌ها را درنوردید و به سمع و نظر اکثر مردم دنیا رسید. نشریه آمریکایی هافینگتون پست، در مطلبی که در سال ۲۰۱۴ میلادی منتشر کرد، به پیاده‌روی عظیم اربعین حسینی علیه السلام اشاره کرد و در این باره نوشت:

اگر می‌خواهی اسلام حقیقی را بشناسی، به زیارت اربعین برو؛ زیرا مراسم ارزش‌ها و الگوهاست، و اگر خواستی داعش را بشناسی، برو به اربعین و دشمنان داعش را بشناس. در مقاله مذکور، زیارت اربعین بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین تجمع دینی در جهان توصیف شده و آمده است: «تعداد زائران این تجمع، پنج بار بیشتر از مراسم بزرگ و مهم «کومبه‌میلا» هندوهاست که هر سه سال یک‌بار برگزار می‌شود. علاوه بر اینکه اربعین در شرایط امنیتی خطرناک و با وجود تروریسم و خطر انفجار در هر لحظه برگزار می‌شود». نویسنده سپس گنجاندن زیارت اربعین را در کتاب رکوردهای گینس، به عنوان بزرگ‌ترین تجمع بشری، بزرگ‌ترین سفره غذا در جهان و بزرگ‌ترین تعداد داوطلبان در یک مکان و... خواستار می‌شود.

به امید حاکمیت فرهنگ نورانی اهل بیت علیهم السلام در سراسر گیتی.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۴۱۳ق). **من لا یحضره الفقیه**، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی حرانی (۴۰۴ق/۳۶۳ش). **تحف العقول عن آل الرسول**، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. طوسی، محمد بن حسن (۴۰۷ق). **تهذیب الأحکام**، تحقیق حسن الموسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۴۰۷ق). **الکافی**، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۴۰۳ق). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۳۵۶ش). **کامل الزیارات**، تصحیح عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویه.
۷. طبری آملی، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم (۳۸۳ق). **بشارة المصطفى لشیعة المرتضى (ط - القديمة) النجف الاشرف**، المكتبة الحیدریة.
۸. مفید، محمد بن محمد (۴۱۳ق). **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، کنگره شیخ مفید.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا). **اللهوف علی قتلی الطفوف**، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، نشر جهان.
۱۰. ابن نما حلّی، جعفر بن محمد (۴۰۶ق). **مثیر الأحزان**، تحقیق و تصحیح مدرسه امام مهدی عليه السلام، قم، نشر مدرسه امام مهدی.
۱۱. هلالی، سلیم بن قیس (۴۰۵ق). **کتاب سلیم بن قیس الهلالی**، تحقیق و تصحیح محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی.

١٢. ابن أبي زينب، محمد بن ابراهيم (١٣٩٧ق). الغيبة للنعمانى، تحقيق و تصحيح على اكبر غفارى، تهران، نشر صدوق.
١٣. نورى، حسين بن محمد تقى (١٤٠٨ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقيق و تصحيح مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
١٤. القرشى، باقر شريف (١٤١٣ق / ١٩٩٢م). حياة الامام الحسين بن على عليه السلام، بيروت، دار البلاغه.